

بررسی مشکلات فراگیری زبان انگلیسی برای فارسی زبانان

جهانگیر کااوند

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

چکیده:

با وجود آن که زبان فارسی و انگلیسی از اعضای خانوادهٔ زبانهای هند و اروپایی هستند ولی به علت گذشت زمان و متعلق بودن به فرهنگهای مختلف، امروز فاصلهٔ بسیاری بین این دو زبان به وجود آمده است و از طرفی نیز به علت نظام غلط آموزش زبان در ایران، متأسفانه زبان‌آموزان با مشکلات دشواریهایی روبرو هستند.

در این مقاله سعی نگارنده بر آن بوده است که در ابتدا چگونگی به وقوع پیوستن اشتباهات و دشواریهای زبان‌آموزان را بشکافد و عوامل دخیل در این امر را متذکر شود و در بخشهای بعد مقولاتی را در هر دو زبان مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. و به این نتیجه رسیده است که به علت هم‌ریشه بودن زبان فارسی و انگلیسی دشواریها و مشکلات زیادی برای زبان‌آموزان ما وجود ندارد. برای آموزش بهتر زبان انگلیسی در این مرز و بوم اول باید تفاوتها و شباهتهای هر دو زبان فارسی و انگلیسی را شناخت و در امر آموزش از آنها بهره

گرفت. سپس باید جدیدترین و بهترین روشهای آموزش زبان را به کار گرفت و نیز امکانات آموزشی - سمعی و بصری - ایجاد کرد و نیز آموزگاران برای آموزش زبان به خدمت گرفت که به کار خویشتن مسلط و علاقمند باشند.

پس از انقلاب اسلامی کتب جدید برای آموزش زبان انگلیسی در دوره راهنمایی تحصیلی تدوین شد که با همکاری آقایان دکتر پرویز بیرجندی و دکتر ابوالقاسم سهیلی براساس مکتب رفتارگرایی (Behaviorism) در روان‌شناسی و زبان‌شناسی تدوین شده بود و به همین دلیل تا حد قابل ملاحظه‌ای از بار مشکلات و دشواریها کاسته شد. من شخصاً کتب قدیم و جدید دوره راهنمایی تحصیلی را تدریس کرده‌ام و به این نتیجه رسیدم که زبان‌آموزانی که از کتب جدید استفاده می‌کنند، کمتر دچار دشواری و مشکل می‌شوند و سریع‌تر پیشرفت می‌کنند. ولی متأسفانه این مشکلات هنوز در دوره دبیرستان وجود دارد.

در بخش زبان فارسی هم کتب جدیدی در دستور زبان فارسی براساس زبان‌شناسی توسط آقایان دکتر علی اشرف صادقی و غلامرضا ارژنگ برای رشته فرهنگ و ادب نگاشته شد که متأسفانه پس از یکی دو سال از برنامه درسی حذف شد و باز دستورهای سنتی جایگزین آنها شد.

زبان عربی نیز در حالی که سابقه آموزش طولانی یعنی بیش از هزار سال دارد، ولی عملاً در آموزش آن موفق نبوده‌اند؛ و من فکر می‌کنم که در امر آموزش زبان به طور کلی، ما حداقل پنجاه سال از جهان علم عقب هستیم.

در پایان بار دیگر متذکر می‌شوم که زبان انگلیسی به علت هم‌خانواده بودن با فارسی برای فارسی‌زبانها از زبانهای دیگر ساده‌تر است و آسانتر فراگرفته خواهد شد، اگر به مطالبی که در پاراگراف دوم همین گفتار متذکر شدم توجه شود.

۱- چگونگی به وقوع پیوستن اشتباهات در زبان آموزی^۱

دشواریها و اشتباهاتی که در فراگیری یک زبان خارجی ممکن است پیش آید می تواند به علل ذیل باشد:

الف - احتمال دارد که از تداخل عناصر زبان مادری و یا از تأثیر آن بر زبان خارجی پیش آید - مثلاً نظام آوایی زبان فارسی در امر آموزش زبان انگلیسی ممکن است برای زبان آموز دشواریهایی پدید آورد.

ب - ممکن است که از تفاوت‌های دو زبان (زبان مادری و زبان خارجی) به وقوع بپیوندد.

پ - هر چه این تفاوتها بزرگتر و ژرف تر باشد، فراگیری زبان خارجی را دشوارتر می کند. به عبارت دیگر هر چه این تفاوتها بزرگتر و عمیق تر باشند، مشکلات فراگیری زبان خارجی را نیز بزرگتر و ژرف تر می نمایند.

ت - ممکن است بر اثر تعمیم‌های افراطی^۲ در زبان خارجی اشتباهاتی پیش آید. این مشکلات را می توان پیش بینی کرد و در آموزش زبان خارجی راهی برای غلبه بر آنها منظور داشت، هر چند ممکن است تمام این اشتباهات پیش بینی شده بوقوع نپیوندد؛ و از سوی دیگر احتمال دارد که مسائل و مشکلاتی نیز به وقوع بپیوندد که پیشاپیش پیش بینی نشده است.

تداخل زبانی در امر آموزش یک زبان خارجی به دو صورت رخ می دهد:

۱- تداخل بین دو زبان: ^۳ برای مثال حضور آوهای [θ] و [ð] در سیستم آوایی زبان انگلیسی و عدم حضور این دو آوا در نظام آوایی زبان فارسی.

۲- تداخل زبان خارجی در آموزش همان زبان خارجی: ^۴ زبان آموزی برای مثال با واژه‌های

۱. در نگارش این بخش از کتاب (1957) *Linguistics across Cultures* نوشته رابرت لادو و کلاس درس آقای دکتر دبیر مقدم تحت عنوان «بررسی مقابله‌ای ساخت جمله استفاده شده است.

2. Overgeneralization

3. Interlingual transfer

4. Intralingual transfer

honest, honour و honestly آشنا شود و به علت تأثیر خط بر تلفظ، آوای [h] را در اول چنین واژه‌هایی تلفظ نماید.

انواع تداخل:

الف - تداخل مثبت:^۱ و این هنگامی است که ساختار آواها و مقولات زبان مادری به زبان خارجی نزدیکی و شباهت داشته باشد. برای مثال آواهای [P, b] را در فارسی و انگلیسی می‌توان نام برد.

ب - تداخل منفی:^۲ هنگامی رخ می‌دهد که ساختار، آواها و مقولات زبان مادری در تمام موارد و یا بعضی موارد با زبان در حال آموزش متفاوت باشند و اختلافاتی داشته باشند، مثل آواهای [θ, ð] و یا مقولات She و He.

پ - تداخل صفر یا خنثی:^۳ هنگامی است که ساختار، آواها و یا مقولات زبان مادری نه کمکی به امر آموزش زبان خارجی می‌کنند و نه بازدارنده هستند، مثل [x] و [q] در فارسی.

مسائل ذیل نیز در آموزش یک زبان خارجی به طور اعم و نیز انگلیسی به طور اخص وجود دارد:

الف - هر چه سن زبان آموز کمتر باشد، آمادگی او برای فراگیری بیشتر است و بازدهی خوبی نیز خواهد داشت.

ب - میزان هوش و استعداد تحصیلی زبان آموز نیز در امر زبان آموزی دخالت مستقیم دارد.

پ - انگیزه زبان آموز نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ت - روش آموزش زبان خارجی و امکانات از لحاظ سمعی و بصری و مواد آموزش نیز نقش عمده دارند، و حتی میزان علاقه معلم به کار خود و نیز میزان تسلط وی به زبان نیز از اهمیت به خصوصی برخوردار است.

۲- بررسی همخوانیهای فارسی و انگلیسی

۱-۲- بررسی همخوانیهای فارسی^۱

۲-۱-۱- همخوانیهای انفجاری:

الف - /p,b/

ویژگیهای /p/ : بیواک، دمیده، انفجاری، دهانی و دولبی.

ویژگیهای /b/ : واکنار، انفجاری، دهانی و دولبی.

ب - /t,d/

ویژگیهای /t/ : بیواک، دمیده، انفجاری، دهانی و دندانی.

ویژگیهای /d/ : واکنار، انفجاری، دهانی و دندانی.

پ - /k,g/

ویژگیهای /k/ : بیواک، دمیده، انفجاری، دهانی و نرمکامی.

ویژگیهای /g/ : واکنار، انفجاری، دهانی و نرمکامی.

ت - /q/

ویژگیهای /q/ : واکنار، انفجاری، دهانی و ملازی.

ث - /ʔ/

ویژگیهای /ʔ/ : بیواک، انفجاری، دهانی و چاکنائی.

۲-۱-۲- همخوانیهای سایشی

الف - /s,z/

ویژگیهای /s/ : بیواک، سایشی، دهانی و لثوی.

ویژگیهای /z/ : واکنار، سایشی، دهانی و لثوی.

ب - /ʒ,ʒ/

ویژگیهای /ʒ/: بیواک، سایشی، دهانی و لثوی - کامی.

ویژگیهای /z/: واکدار، سایشی، دهانی و لثوی - کامی.

پ - /f,v/

ویژگیهای /f/: بیواک، سایشی، دهانی، لب و دندانی.

ویژگیهای /v/: واکدار، سایشی، دهانی، لب و دندانی.

ت - /x/

ویژگیهای /x/: بیواک، سایشی، دهانی و ملازی.

ث - /h/

ویژگیهای /h/: بیواک، سایشی، دهانی و چاکنایی.

۲-۱-۳ - همخوانهای انفجاری - سایشی /z,ʒ/:

ویژگیهای /c/: بیواک، انفجاری، سایشی، دهانی، لثوی و کامی.

ویژگیهای /z/: واکدار، انفجاری، سایشی، دهانی، لثوی - کامی.

۲-۱-۴ - همخوان لرزشی (غلطان) /r/: واکدار، لرزشی، دهانی، لثوی.

۲-۱-۵ - همخوانهای خیشومی /m,n/:

الف - ویژگیهای /m/: واکدار، دولبی، و خیشومی.

ب - ویژگیهای /n/: واکدار، لثوی و خیشومی.

۲-۱-۶ - همخوانهای روان /l/ و /y/

الف - ویژگیهای /l/: واکدار، کناری، دهانی و لثوی.

ب - ویژگیهای /y/ واکدار، غلتی، دهانی و کامی.

۲-۲- بررسی همخوانهای زبان انگلیسی^۱

۲-۲-۱- همخوانهای انفجاری

الف - /p, b/

ویژگیهای /b/ و /p/ مانند ویژگیهای /p/ و /b/ در زبان فارسی است که ذکر آن گذشت.

ب - /t, d/

ویژگیهای /t/ انفجاری، بیواک، دهانی و لثوی.

ویژگیهای /d/ انفجاری، واکدار، دهانی و لثوی.

پ - /k, g/ ویژگیهای این دو آوا مانند ویژگیهای همتای فارسی خود است.

۲-۲-۲- همخوانهای سایشی

الف - /s, z/ و /ʃ, z/ و /t, v/ ویژگیهای آن آواها مانند ویژگیهای این آواها در فارسی است که ذکر

شد.

ب - /θ, ð/

ویژگیهای /θ/ بیواک، سایشی، دهانی و بین دندانی.

ویژگیهای /ð/ واکدار، سایشی، دهانی و بین دندانی.

همخوانهای /c, j/ و /r/ و /l/ و /h/ و /y/ نیز مانند همخوانهای فارسی مشابه به خود هستند.

۲-۳- مقایسه همخوانها در هر دو زبان و مشکلات ناشی از آنها در زبان آموزی.

1. Julia S. Falk, linguistics and language, 2nded, (Toronto: John Wiley and Sons, 1978), PP.92, 108-109.

۲-۳-۱ - همخوانهای /d,t/ همچنان که شرح داده شد، در فارسی دندانی و در انگلیسی لثوی هستند. تلفظ این دو همخوان به صورت دندانی در زبان انگلیسی تقابل معنایی ایجاد نمی‌کند. ولی به هر حال باید به زبان آموز آموخت که مانند یک گویشور انگلیسی تلفظ کند.

۲-۳-۲ - دو همخوان /θ,ð/ را در زبان فارسی نداریم. این دو همخوان در زبان انگلیسی بین دندانی هستند و برای زبان آموزان ایرانی مشکلاتی به وجود می‌آورند. با اندکی تمرین می‌توان این دو همخوان را تولید کرد، ولی در هنگام صحبت به سرعت معمول زبان انگلیسی فارسی زبانها اغلب نمی‌توانند این دو آوا را تولید کنند. و در این حالت /θ/ به /t/ و /ð/ به /d/ی دندانی فارسی تبدیل می‌شوند.

۲-۳-۳ - در بخش نیم‌مصوتها در انگلیسی آوای فارسی /w/ را داریم که در نظام آوایی زبان فارسی وجود ندارد، ولی در کردی وجود دارد؛ و برای فارسی زبانها تلفظ آن مشکل است و در گفتار زبان آموزان ایرانی به /v/ تبدیل می‌شود و تبدیل آن به /v/ در پاره‌ای از موارد تقابل معنایی به وجود می‌آورد. دو واژه Vine و Wine را در نظر بگیرید؛ هر دو واژه در تلفظ زبان آموزان ما به صورت /vain/ به تلفظ در می‌آیند و نیز می‌دانیم این تلفظ واژه vine است و تلفظ wine به صورت /wain/ است که زبان آموزان ما هر دو را یکسان تلفظ می‌کنند و تقابل معنایی به وجود می‌آید.

۲-۳-۴ - در زبان فارسی ابتدا به ساکن نداریم، ولی در انگلیسی داریم و این مسئله نیز مشکلاتی برای زبان آموز به وجود می‌آورد. در آغاز واژه‌هایی که با /s/ ابتدا به ساکن شروع می‌شوند، زبان آموزان آوای /e/ و /ə/ را اضافه می‌کنند تا از حالت ابتدا به ساکن خارج شود و در نتیجه به نظام آرایبی زبان فارسی نزدیک شود، و این مسئله تقابل معنایی به وجود می‌آورد. به عنوان مثال تلفظ واژه state، /steit/ است، ولی زبان آموزان آن را به صورت /esteit/ و یا /æsteit/ تلفظ می‌کنند که این تلفظ مربوط است به واژه estate و می‌بینیم که تقابل معنایی نیز به وجود آورده است.

۲-۳-۵- همخوان /l/ در فارسی یک تلفظ بیشتر ندارد و تقابل ایجاد نمی‌کند. ولی در انگلیسی دو نوع تلفظ برای آن قایل هستند که یکی را با /l/ نشان می‌دهند که همیشه قبل از مصوت‌های پیشین اتفاق می‌افتد، مثل Lap و به آن clear L می‌گویند. نوع دوم را با علامت /ɫ/ نمایش می‌دهند و دو حالت دارد، یکی قبل از مصوت‌های پسین اتفاق می‌افتد، مثل national و ثانیاً در پایان واژه‌ها قرار می‌گیرد، مثل fool/fuɫ/ که به آن dark L گفته می‌شود. تلفظ /L/ dark برای زبان‌آموزان ما تداخل منفی محسوب می‌شود.

۳- ساختار هجا در فارسی و انگلیسی

۳-۱- ساختار هجا در فارسی

| | | |
|--------|-----|------------------------|
| V-۱ | مثل | [i-ran] و [u] |
| CV-۲ | مثل | [mu]، [to]، [bâ] |
| CVC-۳ | مثل | [tar]، [bar]، [xar] |
| CVCC-۴ | مثل | [mast]، [dast]، [casb] |
| VCC-۵ | مثل | [atr] و [abr]، [axm] |
| VC-۶ | مثل | [ân]، [in] |

بعضی زبان‌شناسان مثل آقای دکتر یدالله ثمره در کتاب آواشناسی زبان فارسی (ص ۱۲۹) سه

نوع هجا برای زبان فارسی قایل شده‌اند: CV و CVC و CVCC

۳-۲- ساختار هجا در زبان انگلیسی:

| | | |
|--------|-----|---------------|
| V-۱ | مثل | "a" [ə] |
| CV-۲ | مثل | "the" [ðə] |
| CVC-۳ | مثل | "bad" [æd] |
| CVCC-۴ | مثل | "hunt" [hənt] |

| | | |
|-----------------------|-----|------------|
| [əv] "of" | مثل | VC-۵ |
| [æsk] "ask" | مثل | VCC-۶ |
| [stæmp] "Stamp" | مثل | CCVCC-۷ |
| [Skul] "school" | مثل | CCVC-۸ |
| [twelvθ] "Twelveth" | مثل | CCVCCC-۹ |
| [strɔ] "Straw" | مثل | CCCV-۱۰ |
| [skrim] "Scream" | مثل | CCVC-۱۱ |
| [wɜ:ldz] "worlds" | مثل | CVCCCC-۱۲ |
| [prɒmpts] "prompts" | مثل | CCVCCCC-۱۳ |
| [strɛŋθs] "strengths" | مثل | CCCVCCC-۱۴ |

۳-۳- مقایسه ساختار هجا در فارسی و انگلیسی: با مقایسه ساختار هجا در این دو زبان ملاحظه می‌کنیم که دشواریهای ذیل وجود دارد:

۳-۳-۱- زبان آموزان ما در هر بافتی که دو همخوان در کنار هم باشند، یک مصوت [e] و یا [ə] به همخوان نخست و یا بین دو همخوان اضافه می‌کنند، مثلاً واژه sport و sky را [əspɔ:t] [eskai] و translation را [t e rans e leifən] تلفظ می‌نمایند و در پاره‌ای موارد این گونه تقابل معنایی ایجاد می‌کند که در ۳-۳-۲ ذکر شد و در مواردی نیز که تقابل معنایی ایجاد نمی‌کند، تلفظی خوشایند و زیبا نیست.

۳-۳-۲- در بعضی بافتها به علت این که بعضی ساختهای هجایی انگلیسی در فارسی موجود نیست و تلفظ آن برای زبان آموزان مشکل است، یک آوا را حذف می‌کنند تا با ساختار هجای فارسی هماهنگ شود. مثلاً آوای /b/ در واژه december حذف می‌کنند و به شکل /desamr/ تلفظ می‌کنند.

۳-۳-۳- در مواردی نیز هجابندی واژه انگلیسی را برهم می‌زنند تا به هجاهای زبان فارسی

نزدیک شود. مثلاً photograph را که در انگلیسی به شکل [fowt-ə-græf] هجانبندی می‌شود به شکل [fow-tə-ge-ræf] تلفظ می‌کنند.

بنابراین در بخش هجاها نیز چون در زبان انگلیسی با تنوع بیشتری روبرو هستیم، زبان آموزان با دشواریهایی روبرو هستند که ذکر شد.

۴- تکیه (Stress) در فارسی و انگلیسی

در انگلیسی با تغییر جای تکیه در واژه تقابل معنایی ایجاد می‌شود. مثلاً اسم به فعل تبدیل می‌شود و برعکس، مثل permit به معنی «اجازه» که اسم است و permit که فعل است و همینطور transfer که اسم است و transfer که فعل است.

در فارسی نیز تغییر مکان تکیه تقابل معنایی به وجود می‌آورد، مثل [Javâni] و [Javâni] و [mardi] که به معنی «یک مرد» است و [mardi] که به معنی «مرد بودن و انسان بودن» است. حال توزیع تکیه را ابتدا در فارسی و سپس در انگلیسی بررسی می‌نماییم و بعد دشواریها را متذکر شده و نتیجه‌گیری می‌کنیم.

۴-۱- قواعد تکیه در فارسی:

الف - در فارسی اسامی، بن افعال، صفات و اعداد در هجای آخر تکیه می‌پذیرند. مثال: [ketâb] و [nevêšt] و [zibâ] و در مورد اسامی استثناءهایی نیز به چشم می‌خورد، مثل [parvâne] که در بخش (هجای) نخست تکیه پذیرفته است.

ب - هر گاه علامت جمع به اسمی افزوده گردد، جای تکیه نیز تغییر کرده و روی علامت جمع قرار می‌گیرد.

مثال: [ketâb] → [ketâbhâ] و [bozorgân] → [bozörg]

پ - ضمائر متصل شخصی جای تکیه را تغییر نمی‌دهند و تکیه همچنان در جای خود که توضیح آن در بند الف آمد، باقی می‌ماند.

ضمائر متصل شخصی عبارتند از: and, id, im, ð, ï, am.

مثال: [nevêšt] → [nevêštam]

ت - هر گاه پیشوندی به افعال افزوده شود، تکیه نیز روی پیشوند قرار می‌گیرد.

مثال: [nevešt] → [ná-nevešt] و [bé-nevis] و [mí-nevešt]

هر گاه دو پیشوند به یک فعل اضافه شود، تکیه روی اولین پیشوند قرار می‌گیرد:

مثال: [né-mi-nevešt]

ث - وندهای صفت عالی و تفضیلی ساز نیز تکیه می‌پذیرند. مثال:

[mehrabân] → [mehrabântár] → [mehrabântarin]

ج - کلمات ربط، حروف اضافه نیز معمولاً در هجای اول خود تکیه می‌پذیرند:

مثال: [váli], [âýâ], [ágar], [bále] و [ámmâ] در این مورد نیز استثناء وجود

دارد مثل [beduñe] [barâye]

چ - اسامی مرکب نیز مانند اسامی بسیط در آخرین هجای خود تکیه می‌پذیرند.

مثال: [najibzâdé], [ketâbxâné]

ح - تکیه در آخرین هجای صفت گروه اسمی قرار می‌گیرد.

مثال: [mard-e-mehrabân] و [eqdâm-e-mofid]

۴-۲ - تکیه در زبان انگلیسی:

الف - در واژگان انگلیسی باستان (Ancient English) و واژگان قرضی فرانسه تکیه روی

ریشه باقی می‌ماند.

مثال از انگلیسی باستان: kîng → kîngly → - kîngliness - unkingliness.

stânding - understânding - misunderstânding.

مثال واژگان قرضی فرانسه:

Pássion - pássionately - dispássionate.

ب - پسوند اسم ساز -ity و پسوند پیشه ساز -ian- تکیه را به هجای قبل از خود منتقل می‌کنند.
مثال: grámmar → grammárian و library → librárian
cúrios → Curíosity و unánimous → unanimíty.

پ - در اسامی مرکب تکیه روی هجای اول صفت قرار می‌گیرد.
مثال: gréenhouse - bláckboard - hótđog - dóubleu = [w]

ت - در گروه اسمی تکیه بر نخستین هجای اسم قرار می‌گیرد.
مثال: greenhóuse - hotđog - doubleú = [uu]

۴-۳- مقایسه تکیه در فارسی و انگلیسی

۴-۳-۱- در زبان فارسی معمولاً وندها تکیه می‌پذیرند، در حالی که در زبان انگلیسی تکیه را از ریشه لغت به هجای دیگری منتقل می‌کنند؛ ولی خود تکیه نمی‌پذیرند. این مسئله برای زبان آموز مشکل تولید می‌کند، زیرا زبان آموز براساس زبان فارسی تکیه را به وندها می‌دهد که البته اشتباه است.

۴-۳-۲- در اسامی مرکب تکیه در نخستین هجای کلمات انگلیسی قرار می‌گیرد، حال آن که در زبان فارسی در آخرین بخش (هجای) آن قرار می‌گیرد. معمولاً زبان آموزان تکیه را در این گونه کلمات براساس زبان فارسی روی آخرین هجا قرار می‌دهند و اغلب این مورد و ۳-۳-۴ را به هم می‌آمیزند و اشتباه در این مورد باعث می‌شود که معنا را نیز به درستی درک نکنند و مثلاً معنای green house (گلخانه) را با green hóuse (خانه سبز) اشتباه می‌کنند.

۴-۳-۳- تکیه در گروه اسمی در زبان فارسی روی صفت قرار می‌گیرد حال آن که در زبان انگلیسی روی اسم واقع می‌شود که اشتباه ناشی از آن در ۴-۳-۲ توضیح داده شد.

۵- آهنگ (Intonation) در فارسی و انگلیسی^۱

۱. همان منبعی که در پانویس صفحه ۱۳ ذکر شد، صص ۷۲-۸۱.

آهنگ در هر دو زبان یک واج (phoneme) تلقی می‌شود زیرا با تغییر آهنگ معنا نیز تغییر می‌کند.

1.a Hassan diruz be xâne âmad. ↓ خبری

1.b. Hassan diruz be xâne âmad? ↑ سؤالی

2.a Mary is coming. ↓ خبری

2.b. Mary is coming? ↑ سؤالی

همچنان که ملاحظه می‌شود جملات خبری در هر دو زبان دارای آهنگ افتان هستند و جملات سؤالی آهنگ خیزان دارند. در مورد آهنگ فقط یک مورد اختلاف بین دو زبان وجود دارد و آن هم جملات موسوم به Tag question می‌باشد که در ابتدا آن را در فارسی و سپس در انگلیسی مطالعه می‌کنیم و سپس نتیجه‌گیری می‌نماییم.

۶- در فارسی

a. diruz ali âmad ↓ nayâmad. ↑

b. driuz ali nayâmad ↓ âmad. ↑

۶-۱- در انگلیسی: هر گاه در قسمت اول جمله آهنگ افتان داشته باشیم و در قسمت دوم خیزان، در این حالت گوینده موضع خنثی‌ای در مورد جواب دارد. (بله یا خیر بودن برای او فرق ندارد).

John is an excellent teacher ↓ isn't he? ↑

هر گاه هر دو قسمت جمله دارای آهنگ افتان باشد، در این حالت گوینده یک تأیید از شنونده می‌خواهد.

John is an excellent teacher ↓ isn't he? ↓

ملاحظه می‌فرمایید که این نوع جملات در انگلیسی ویژگی خاصی دارند که در زبان فارسی ندارند و همین ویژگی خاص برای زبان‌آموز ایرانی مشکلات و دشواریهایی پدید می‌آورد.

۷- ساختار دستوری زبان فارسی^۱ و انگلیسی

۱-۷- یکی دیگر از مسائلی که در زبان آموزی دشواری می‌آفریند «تفاوت‌های ساختاری و دستوری» دو زبان است. در مواردی که ساختار جملات در فارسی و انگلیسی تفاوت می‌کند، معمولاً زبان آموز برای بیان پیام و مقصود خود به زبان انگلیسی، از ساختار دستوری زبان فارسی استفاده می‌کند. برای نمونه به مثالهای زیر توجه فرمایید.

1.a* He went to city for buying some books.

1.b. He went to city to buy some books.

او برای خرید تعدادی کتاب به شهر رفت.

ملاحظه می‌فرمایید که چون در زبان فارسی در چنین ساختی از واژه «برای» استفاده می‌کنیم -در حالی که در انگلیسی از واژه "to" استفاده می‌شود نه "for"- زبان آموز ایرانی عیناً ساخت فارسی را برای بیان مقصود به انگلیسی برده است.

به جملات زیر هم توجه فرمائید.

2.a* you should go to home right now.

2.b you should go home right now.

شما همین الان باید به منزل بروید.

3.a* The man that I saw him yesterday is Mary's brother.

3.b The man that I saw yesterday is Mary's brother.

مردی که او را دیروز دیدم، برادر مری است.

4.a* I and Arash are brother.

4.b I and Arash are brothers.

۱. علی اشرف صادقی، غلامرضا ارزنگ، دستور زبان فارسی (رشته فرهنگ و ادب)، تهران: وزارت آموزش و

من و آرش با هم برادریم.

5.a* I need Five book.

5.b I need five books.

من پنج کتاب نیاز دارم.

با توجه به ساختار جملات فوق که به عنوان مثال آورده شد و از این قبیل فراوانند، می‌بینیم که زبان آموز جملاتی را که به انگلیسی می‌سازد تقریباً ساختار فارسی دارند، باید این گونه موارد را دقیقاً برای او روشن نمود تا دیگر به اشتباه دچار نشود.

۷-۲- از آنجا که ترتیب توالی کلمات در فارسی و انگلیسی یکسان نیست، خود مشکلاتی در زبان آموزی به وجود می‌آورد. در فارسی در آغاز جمله فاعل و سپس قید زمان و پس از آن قید مکان و در انتها فعل داریم، ولی در انگلیسی اول فاعل سپس فعل و پس از آن قید مکان و در انتها قید زمان داریم و این یکی نبودن ترتیب توالی کلمات در دو زبان اغلب باعث تولید جملات غلط در زبان انگلیسی می‌شود.

مثال:

1.a* I to school went.

1.b I went to school.

من به مدرسه رفتم.

2.a* I yesterday to school went.

2.b I went to school yesterday.

من دیروز به مدرسه رفتم.

و نیز ترتیب توالی کلمات را در فارسی به راحتی می‌توان بر هم زد، بدون آن که مفهوم تغییر کند

ولی در انگلیسی ترتیب توالی کلمات نمی‌توان بر هم زد.

مثال از فارسی:

S.O.V من علی را زدم

O.S.V علی را من زدم

مثال از انگلیسی:

1.a He is ill.

1.c. Is he ill?

1.b.* He ill is.

ملاحظه می‌شود که جمله دوم غلط است و در جمله سوم مفهوم و نوع جمله تغییر کرده است. چون ترتیب توالی کلمات در انگلیسی نقش مهمی ایفا می‌کند، ولی در فارسی دارای چنین نقشی نیستند، زبان آموز دچار دشواری و اشتباه می‌شود.

۷-۳- گاهی بر اثر تعمیم افراطی در زبان انگلیسی، زبان آموز به خطا می‌رود و زبان برای او دشوار می‌شود. به مثالهای زیر توجه فرمایید.

1.a* Some sheeps are on the hill.

1.b. Some sheep are on the hill.

2.a* He can speaks French.

2.b He can speak French.

3.a* Some oxes are there.

3.b Some oxen are there.

4.a* The poors are going to be poorer in this economical situation.

4.b The poor are going to be poorer in this economical situation.

با بررسی جملات فوق پی می‌بریم که زبان آموز اول با یک قاعده دستور زبان انگلیسی آشنا شده

و بعد با تعمیم افراطی دچار اشتباه شده است. مثلاً آموخته که علامت جمع در انگلیسی "s" است و بعد این مسئله را به غلط به کلماتی مثل sheep و ox و poor هم تعمیم داده است.

۸- جملات مجهول و دشواریهای ناشی از تفاوت‌های این ساخت در فارسی و انگلیسی^۱

۸-۱- فرم جمله مجهول در زبان فارسی

الف - مفعول جملات معلوم جای فاعل جمله مجهول قرار می‌گیرد.

ب - از اسم مفعول فعل استفاده می‌شود.

ت - از فعل کمکی «شدن» نیز استفاده می‌نماییم.

جمله معلوم: سارق دو نفر را به ضرب چاقو کشت.

جمله مجهول: دو نفر توسط سارق به ضرب چاقو کشته شدند.

۸-۲- فرم جملات مجهول در زبان انگلیسی

فرم مجهول در زبان انگلیسی نیز مثل زبان فارسی است، به استثناء فعل کمکی "be". معنای

این ساخت در هر دو زبان نیز یکسان است.

۸-۳- توزیع این ساخت در زبان فارسی: افعال غیر ارادی نظیر دوست داشتن، شبیه چیزی یا کسی

بودن، مایل بودن و عصبانی یا خشمگین کردن را نمی‌توان در ساخت مجهول به کار برد و نیز در

فارسی فقط مفعول مستقیم (بی‌واسطه) را می‌توان مجهول کرد.

۱. همان مرجع و نیز جزوه درسی «بررسی مقابله‌ای ساخت جمله «۱ و ۲» آقای سید محمد ضیاء حسینی و دکتر

محمد دبیر مقدم و نیز کتب درسی زبان انگلیسی سالهای سوم و چهارم دبیرستان چاپ وزارت آموزش و پرورش

۸-۴- توزیع ساخت مجهول در زبان انگلیسی: در انگلیسی افعال ارادی و غیرارادی هر دو را می‌توان در ساخت مجهول به کاربرد و همین‌طور مفعول مستقیم (بی‌واسطه) و غیرمستقیم (باواسطه) را.

مثال:

1. George saw John.

John was seen by George.

2. I gave the pencil to Mary.

Mary was given the pencil to.

3. John slept in this waterbed.

The waterbed was slept in by John.

مشکل: همین‌که در فارسی نمی‌توانیم افعال غیرارادی را مجهول کنیم، خود درک معنای چنین جملاتی را در زبان انگلیسی دشوار می‌کند.
به این مثالها توجه فرمایید.

1. John likes Mary.

Mary is liked by John.

2. George loves Sherly.

Sherly is loved by George.

جملات مجهولی از این قبیل برای زبان‌آموز دشواری ایجاد می‌کند زیرا چنین ساختی را در زبان فارسی نداریم. مثلاً در فارسی نمی‌توانیم بگوئیم: «مریم توسط علی دوست داشته می‌شود»* و یا نمی‌توانیم بگوئیم: «این رختخواب توسط علی خوابیده شده است»*. درک چنین جملاتی برای زبان‌آموز با اشکالاتی توأم است، و به همین دلیل آقای ابوالحسن نجفی در کتاب غلط‌نویسیم نوشته است که بهتر است در ترجمه، جملات مجهول را به معلوم ترجمه کنیم.

واژه‌نامه انگلیسی به فارسی

| | | | |
|---------------|---|--------------------|-------------------|
| Active | معلوم | Negative transfer | تداخل منفی |
| Affix | وند | Overgeneralization | تعمیم افراطی |
| Alveolar | لثوی | palatal | کامی |
| Alveo-palatal | لثوی - کامی | passive | مجهول |
| Bilabial | دولبی | phone | آوا |
| Consonant | همخوان | phoneme | واج |
| Dental | دندانی | phonetics | آواشناسی |
| Distribution | توزیع | positive transfer | تداخل مثبت |
| Explosive | انفجاری | Rolled | غلطان |
| Glottal | چاکنائی | Semi-vowel | نیم مصوت |
| Grammatical | ساختار دستوری | Stress | تکیه |
| Struture | | syllable Structure | ساختار هجا(ئی) |
| Interdental | بین دندانی، میان دندانی | Trill | لرزشی |
| Interlingual | تداخل بین دو زبان | Uvular | ملازی |
| transfer | | velar | نرمکامی |
| Intralingual | تداخل یک زبان در همان زبان ^(۳) | voiced | واکدار |
| | transfer | vowel | مصوت |
| labio-dental | لب و دندانی | Zero transfer | تداخل صفر یا خنثی |
| liquid | روان | Intonation | آهنگ |
| loan word | واژه قرضی | Voicelees | بیواک |
| Morpheme | تکواژه، واژک | Nasal | خیشومی |
| Labio-dental | لب و دندانی | Fricative | سایشی |

- ۱- توضیح آن در پانویس صفحه ۲۴ آمده است.
- ۲- برای این اصطلاح در منابعی که در دسترس داشتیم هیچگونه معادلی نیافتیم، عبارت فوق را به عنوان معادل براساس تعریف آن جعل نمودم. برای توضیح بیشتر به صفحه ۲ همین مقاله مراجعه فرمایید.

کتابنامه

۱- منابع فارسی

- باطنی، محمدرضا، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۸.
- ثمره، یدالله، آواشناسی زبان فارسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۴.
- حق شناس، علی محمد، آواشناسی. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۵۶.
- ژیرار، دنی، زبان شناسی کاربردی و علم آموزش زبان. ترجمه گیتی دیهیم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- صادقی، علی اشرف و غلامرضا ارژنگ. دستور زبان فارسی. سالهای دوم و سوم دبیرستان رشته فرهنگ و ادب. تهران: وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۸.
- لادو، رابرت، زبان شناسی در میان فرهنگها. ترجمه علی درزی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم، بهار ۱۳۶۷.
- مدرسی، یحیی، «برنامه ریزی زبان» مجله زبانشناسی، سال سوم، شماره اول، ۱۳۶۵.
- مشکوةالدینی، مهدی، ساخت آوایی زبان فارسی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۶۴.
- نجفی، ابوالحسن، غلط ننویسیم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- یارمحمدی، لطف الله، درآمدی به آواشناسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۴.

۲- منابع انگلیسی

- Brittton, James. Language and learning. Penguin Books, 1973.
- Compbell, Russel N., and others. Insights into English structure. Prentice-Hall, 1969.
- Davies, Alan. Problems of Language and learning. London: Heinemann, 1975.
- Falk, Julia,s. Linguistics and language . 3rd ed, John wiley and sons, 1978.
- Quirk, Randolph and sidney Greenbaum. A concise Grammar of contemporary English Harcourt Brace Jovanovich, Inc, 1975.
- Samareh, yadollah. The Arrangement of segmental phonemes in Farsi—Tehran Uin. publications.
- Stress and Intonation, (Washington, D.C.: Collier-Macmillan International).
- Lado, Robert. Linguistics across Culture .